

# نقل قرائات قرآن

مسئله تواتر و پیدایی قرائت‌های شاذ

شادی حکمت ناصر

ترجمه

الهه شاه‌پسند و ولی عبدی



نشر کردگدن

## فهرست

۱	پیش‌گفتار ترجمه فارسی
۹	مقدمه
۱۳	فصل نخست: اختلاف قرائات و «سبعة أحرف» قرآن
۱۶	جمع و تدوین قرآن
۲۳	سبعة أحرف
۲۶	تاریخ‌گذاری حدیث سبعة أحرف
۳۳	تحلیل روایات مربوط به سبعة أحرف
۳۹	چند سرنخ احتمالی درباره معنای «حرف»
۴۱	دیدگاه شیعیان درباره قرآن، قرائات و سبعة أحرف
۴۳	نتیجه‌گیری
۴۵	فصل دوم: ابن‌مجاهد و رسمیت بخشی به قرائت‌های هفت‌گانه
۴۶	مجموعه‌های قرائات پیش از ابن‌مجاهد
۵۰	طبری (د. ۳۱۰)
۵۹	ابن‌مجاهد و کتاب السبعة
۶۰	قرائات به منزله احکام فقهی
۶۴	معیارهای ابن‌مجاهد در انتخاب قاریان هفت‌گانه
۶۶	انتخاب قاریان هفت‌گانه

- ۷۵ ----- قرائات پس از ابن مجاهد
- ۷۸ ----- تواتر قرائات رسمی
- ۷۹ ----- تواتر از نگاه اصولیان
- ۸۵ ----- تواتر از نگاه محدثان
- ۸۷ ----- تواتر بین اصول فقه و حدیث
- ۹۰ ----- نتیجه‌گیری
- ۹۳ ----- فصل سوم: «حدّ القرآن» و تواتر قرائات رسمی
- ۹۵ ----- دبّوسی (د. ۴۳۰)
- ۹۶ ----- ابن حزم (د. ۴۵۶)
- ۹۷ ----- بَزْدَوِی (د. ۴۸۴) و سَرخِسی (د. ۴۹۰)
- ۹۸ ----- غزالی (د. ۵۰۵)
- ۹۹ ----- آمِدی (د. ۶۳۱)
- ۱۰۰ ----- ابن حاجب (د. ۶۴۶)
- ۱۰۰ ----- شوکانی (د. ۱۲۵۵)
- ۱۰۱ ----- خلاصه و نتیجه‌گیری
- ۱۰۲ ----- بَسْمَلَه
- ۱۰۴ ----- باقْلانی (د. ۴۰۳)
- ۱۱۰ ----- ابن مسعود و آیه ۸۹ مائده
- ۱۱۱ ----- خلاصه و نکات
- ۱۱۲ ----- تواتر قرائات هفت‌گانه/ده‌گانه
- ۱۱۴ ----- ابن حاجب و شارحان او: سُبکی و ایجی
- ۱۱۵ ----- زَرکَشی (د. ۷۹۴)
- ۱۱۸ ----- ابوبکر ابن عربی (د. ۵۴۳)
- ۱۲۲ ----- شوکانی (د. ۱۲۵۰)
- ۱۲۳ ----- زُحیلی و اصولیان معاصر
- ۱۲۴ ----- خلاصه و نکات

۱۲۶	-----	شیعیان و هفت/ده قرائت
۱۳۰	-----	نتیجه‌گیری
۱۳۱	-----	فصل چهارم: نقل قرائت‌های رسمی و پیدایش قرائت‌های شاذ
۱۳۲	-----	پیشینه
۱۳۵	-----	«قرش» و «اصول»
۱۳۸	-----	نقل قرائات مشهور
۱۴۴	-----	راویان بی‌واسطه قاریان هفت‌گانه
۱۵۳	-----	اعتباربخشی به قرائات رسمی و پیدایش شواذ خلاف قاعده
۱۷۹	-----	خلاصه بحث و نکات
۱۸۲	-----	شواذ از طریق «رن‌م»ها (رشته‌نقل‌های منفرد)
۱۸۵	-----	خلاصه و نتیجه‌گیری
۱۸۷	-----	فصل پنجم: ماهیت اختلاف قرائات
۱۸۹	-----	گونه‌های اختلاف
۲۰۳	-----	فهرست‌های قرائات قرآنی و اختلافات شعری
۲۰۲	-----	بخش نخست: قرائات قرآنی
۲۵۴	-----	بخش دوم: اختلافات شعری
۲۷۸	-----	خلاصه و تحلیل
۲۸۴	-----	خلاصه و نکات
۲۸۵	-----	نتیجه‌گیری و پژوهش‌های آینده
۲۹۱	-----	منابع
۳۰۹	-----	نمایه

## فصل نخست

# اختلاف قرائات<sup>۱</sup> و «سبعة أحرف» قرآن

طبق سنت اسلامی، جمع‌آوری قرآن به دست عثمان (حک. ۲۳-۳۵) در دوران خلافت او واکنشی به اختلاف‌نظر میان صحابه پیامبر و به تبع آن میان عموم مسلمانان بر سر قرائت و ترتیب برخی آیات قرآن بود. عثمان شورایی به ریاست زید بن ثابت (د. حدود ۴۲-۵۶)<sup>۲</sup> تشکیل داد و عمدتاً با تکیه بر صحیفه‌های حفصه (د. ۴۱-۴۵) نسخه رسمی قرآن را فراهم آورد و نسخه‌های متعددی از آن را به مراکز بزرگ اسلامی در آن زمان فرستاد. در گزارش‌های تاریخی بر سر این موضوع اختلاف هست که نسخه‌های ارسالی عثمان آیا قرار بود یکسان باشند یا

۱. اختلاف قرائت قرآن می‌تواند یک اختلاف واحد به‌اندازه یک یا دو کلمه، یا نظام و مجموعه‌ای از قرائت منسوب به یک قاری مشهور باشد. در حالت دوم، من به این نوع از اختلافات با عنوان «قرائت» با «ق» یا «قرائت مشهور» یا «قرائت رسمی» اشاره خواهم کرد. از سویی دیگر، به اختلاف قرائت کلمه واحد تنها با عنوان «قرائت» با «ق» اشاره خواهد شد. به همین منوال، «قاری» با «ق» به قاری مشهوری اشاره خواهد داشت که نظام و سبک قرائت خاص خود را دارد. اما «قاری» با «ق» به قاری عادی قرآن اشاره دارد. در نهایت، راوی با «ر» به یکی از دو راوی رسمی قرائت مشهور و زاوی با «ز» به هر راوی غیررسمی اشاره دارد.

۲. طبق روایتی، ابوبکر و عمر قبلاً در زمان خلافت ابوبکر به زید بن ثابت مأموریت داده بودند تا قرآن را از روی برگ‌های درخت خرما، سنگ‌ها، استخوان کتف حیوانات و دیگر مواد نوشتاری جمع‌آوری و آنها را به آنچه به «صُحُف» معروف شد منتقل کند. این صحف به عمر و از او به دخترش حفصه (یکی از همسران پیامبر) رسید؛ بخاری، *الجامع الصحیح*، تصحیح محب‌الدین خطیب، (قاهره: المطبعة السلفية، ۱۹۷۹)، ۳/۳۳۷-۳۳۸. کایتانی و نلدکه بر قوی بودن این روایت تأکید کرده‌اند: دستور ابوبکر مبنی بر جمع‌آوری قرآن و رسیدن آن به دست جانشینش مسئله‌ای حکومتی به نظر می‌رسد. باین‌حال، آن صحف به مرده‌ریگ حفصه تبدیل شد و بنابراین مسئله‌ای شخصی بود؛

Nöldeke, Theodor and Friedrich Schwally, *Geschichte des Qorâns (GdQ): Die Sammlung des Qorâns*, (Leipzig: Dieterich'sche Verlagsbuchhandlung, 1909 [reprint, Elibron Classics: 2004]), 2/19.

عمداً متفاوت<sup>۱</sup> و هرکدام حاوی قرائتی خاص<sup>۲</sup>، با این فرض که خود پیامبر همه آنها<sup>۳</sup> را پذیرفته و از جانب خدا تلقی کرده است.<sup>۴</sup>

بسیاری از علمای سرشناس مسلمان همچون طبری (د. ۳۱۰)، که کتابی درباره بیست قرائت قرآن منسوب به بیست قاری مشهور به نگارش درآورد،<sup>۵</sup> و زمخشری (د. ۵۳۸)، که بعضی قرائات رسمی را رد کرد<sup>۶</sup> و برخی را بر برخی

۱. عثمان به شورا دستور داد اگر آنها با زید (که مدنی بود) درباره مسئله تلفظ قرآن اختلاف داشته باشند، آن را بر اساس لهجه قریش کتابت کنند. از سویی دیگر، گزارش‌های تاریخی مشخص نمی‌کنند که آیا زید همه این نسخه‌ها را به تنهایی کتابت کرد یا با همکاری دیگر کاتبان؛ سجستانی، کتاب المصاحف، تصحیح محب‌الدین عبدالسیحان واعظ، (بیروت: دارالبشائر الإسلامية، ۲۰۰۲)، ۱/ ۱۹۹-۲۱۵. مایکل کوک بر این نظر است که مصحف کوفه احتمالاً سرمشق دیگر نسخه‌های شام، مدینه و بصره بوده است:

Cook, Michael, "The Stemma of the Regional Codices of the Koran", *Graeco-Arabica*, 9-10 (2004), pp. 89-104.

۲. محمد حبش چهل‌ونه اختلاف در رسم مصاحف عثمانی برشمرده است. او از اختلافات موجود در قرائات رسمی به این نتیجه رسیده است که آنها ضرورتاً از اختلاف در رسم مثل حذف یا اضافه کردن حروف ربط و حروف اضافه ناشی شده‌اند. قرائت ابن‌کثیر مکی (د. ۱۲۰) نمونه رایجی در متون قرائت است. او آیة ۹ سورة توبه را به این شکل قرائت کرده است: «جَنَّاتٌ تُجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» و این برخلاف قرائت سایر قاریان مشهور است که آن را به این شکل قرائت کرده‌اند: «جَنَّاتٌ تُجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ». محمد حبش، القراءات المتواترة واثراً فی الرسم القرآنی والأحكام الشرعية (دمشق، ۱۹۹۹)، ۹۳. ابن‌ابی‌داوود سجستانی در کتاب المصاحف به اختلافات نوشتاری فراوانی در میان نسخه‌های پنج‌گانه مدینه، مکه، کوفه، بصره و دمشق اشاره می‌کند؛ سجستانی، المصاحف، ۲۵۳/۱-۲۸۲، تصحیح آرتور جفری (لیدن: بریل، ۱۹۳۶)، ۳۹-۴۹. همچنین رک: دانی، ابوعمرو، المقنع فی معرفة مرسوم مصاحف اهل الأمصار، تصحیح نوره حمید (ریاض: دارالتدمرية، ۲۰۱۰)، ۵۳۷-۵۶۱، ۵۷۱-۶۱۵. در ترجمه انگلیسی آیات قرآن از این ترجمه استفاده شده است:

Arberry, Arthur John, *The Koran Interpreted*, (New York: Simon and Schuster, 1996).

در غیر از موارد مشخص‌شده، ترجمه ارائه‌شده از یک قرائت از من است.

۳. به‌منظور حل این مسئله که پیامبر کدام قرائات را به‌طور خاص به‌عنوان «قرآن» تأیید کرده است، با مفهوم بازنگری نهایی (العرضة الأخيرة) روبه‌رویم. بر این اساس، جبرئیل پیش از رحلت پیامبر قرآن را با قرائات مجاز دو بار با او بازنگری کرده است. چنان‌که ادعا می‌شود، هر صحابی که قرائت معتبری به او منسوب است، «همنه» قرآن را پس از این بازنگری مستقیماً از پیامبر استماع کرده است. از سویی دیگر، هر قرائتی که حتی با وجود داشتن سلسله اسناد موثق بعداً رد شده است، در زمره قرائاتی که پیامبر تنها پیش از بازنگری نهایی آنها را مجاز شمرده بود، قرار می‌گیرند. در نتیجه، بازنگری نهایی آن را نسخ می‌کند. زُرْقَانِي، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، تصحیح فواز زمزلی (بیروت: دارالکتب العربی، ۱۹۹۵)، ۲۸۱/۱، ۳۸۴؛ ابن‌تیمیه، مجموعه الفتاوی، تصحیح امیر جزار و انور باز، (قاهره: دار الوفاء، ۲۰۰۵)، ۲۱۲/۱۳-۲۱۳.

۴. این روایت با گونه‌های مختلف آن در این آثار به چشم می‌خورد: سجستانی، المصاحف، تصحیح جفری، ۱۹-۱۸؛ تصحیح واعظ، ۱۹۵/۱-۱۹۶؛ قس.

Burton, John, *The Collection of the Qur'an*, (Cambridge: Cambridge University Press, 1977), p. 141.

۵. این کتاب مفقود است. اثر ابوعبید قاسم بن سلام (د. ۲۲۴) درباره قرائات نیز در دست نیست؛ او بیست‌وپنج قرائت منسوب به بیست‌وپنج قاری مشهور را گرد آورده است: ابن‌جزری، النشر فی القراءات العشر، تصحیح محمد سالم محیسین، (قاهره: مکتبة القاهرة، ۱۹۷۸)، ۸۸-۸۹.

۶. در تفسیرهای آنها نمونه‌های زیادی وجود دارند. مثلاً طبری درباره (حجر: ۵۶) می‌گوید: «قاریان درباره 'ومن یقنط' با هم اختلاف نظر دارند. مدنیان و کوفیان آن را به فتح نون، یعنی یَقْنَطُ، قرائت کرده‌اند، البته به‌جز

دیگر ترجیح داد، نظام کامل یک قاری مشهور را انتخاب نکرده‌اند، بلکه از میان قرائات رایج در آن زمان قرائتی را برگزیده‌اند که با تفسیرشان از آیه قرآن تناسب بیشتری داشته است. هر دو مورد جالب توجه‌اند: طبری دقیقاً پیش از رسمیت یافتن قرائت‌های هفت‌گانه، که احتمالاً در سال ۳۲۲ رخ داده است، زندگی می‌کرد، درحالی‌که زمخشری دو بیست سال پس از آن می‌زیست. به نظر می‌رسد در نگاه هر دو عالم، قرائات رسمی منشأ الهی ندارند. منشأ قرائات نه به خود پیامبر<sup>۱</sup> بلکه به قاریان و راویان قرآن، یعنی به انتخاب آنها در قرائت و فهم (اجتهاد) آنان از رسم بدون نقطه و اعراب مصحف عثمانی که با مفاد آیات قرآن تأیید می‌شد، برمی‌گردد.

این فصل مقدمه‌ای بر نظریه‌های اصلی درباره سرچشمه‌های قرائات قرآن خواهد بود، که از همان ابتدای جمع و نگارش قرآن آغاز می‌شود. به حدیث نبوی درباره «سبعة أحرف» توجه ویژه نشان خواهیم داد. این حدیث، با نقل‌های متعددی که دارد، تنها مستند توجیه اختلاف قرائات از زبان پیامبر به حساب

اعمش و کسانی که هر دو آن را به کسر نون، یعنی یَقِطْنَ، قرائت کرده‌اند. ... و این قرائت دوم باید درست باشد، چراکه قرائت آن به فتح نون در زبان عربی مانوس نیست؛ طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح عبدالله ترکی، (قاهره: دار هجر، ۲۰۰۱)، ۸۵/۱۴-۸۶. موضع‌گیری بی‌باکانه‌تر طبری ذیل (حمد: ۴) (مالک/مَلِک یوم الدین) (مالک/پادشاه روز جزا) به چشم می‌خورد. او در اینجا قرائت «مالک» را رد و حتی تحریم می‌کند. او همچنین کسانی را که سعی در توجیه این قرائت دارند، گمراه می‌شمارد. طبری، جامع البیان، ۱۵۲/۱-۱۵۳، ۱۵۷. لیبیب سعید در کتاب دفاع عن القراءة المتواترة فی مواجهة الطبری المفسر، (قاهره: مؤسسة المعارف، ۱۹۷۸) هشتادونه مورد از جامع البیان را ذکر می‌کند که طبری در آنها قرائات مشهور را رد کرده یا برخی را بر برخی دیگر ترجیح داده است. نمونه‌های بهتر زمخشری است که در الکشاف قرائت این عامر از (انعام: ۱۳۷) را تحقیر کرده است. «وَكَذَلِكَ زَيْنٌ لِكَثِيرٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَتَلَ أَوْلَادِهِمْ شُرَكَائِهِمْ...» (و همین‌طور شرکای آنها قتل فرزندانشان را در نظرشان جلوه دادند). ابن عامر «زَيْنٌ» را به شکل مجهول «زَيْنٌ» قرائت کرده و بنا بر این «قتل» را به شکل فاعلی «قتل» تغییر داده است. او همچنین «اولادهم» را در حالت مفعولی «اولادهم» و «شرکاوهم» را در حالت اضافی «شرکائهم» قرائت کرده است. در نتیجه، آیه به این شکل قرائت می‌شود: «وَكَذَلِكَ زَيْنٌ لِكَثِيرٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَتَلَ أَوْلَادَهُمْ شُرَكَائِهِمْ» (و همین‌طور قتل فرزندانشان توسط شرکایشان برای آنها جلوه داده شد). زمخشری می‌گوید: [نحو عربی] در این قرائت ابن عامر چنان انزجارآور است که حتی اگر به ضرورت شعری به کار رود، باز هم مشمنزکننده است؛ زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، تصحیح علی عبدالموجود، (ریاض: مکتبة العبيکان، ۱۹۹۸)، ۴۰۱/۲.

۱. مثلاً ابن عطیه آشکارا این دیدگاه را پیش می‌گیرد. او در تفسیرهای خود از قرائات غیررسمی متعددی استفاده کرده و المحتسب ابن جنی یکی از منابع اصلی‌اش بوده است. ابن عطیه بر این باور است که هفت قرائت مشهور محصول اجتهاد قاریان از رسم بدون نقطه و اعراب عثمانی است. دیگر اینکه این قرائات مورد اجماع امت بوده است. ابن عطیه، ابومحمد عبدالحق، المحرر الوجیز، تصحیح عبدالسلام محمد، (بیروت: دار الکتب العلمیة، ۲۰۰۱)، ۴۸/۱.